

نگاهی به تاثیرات راستگویی در زندگی

# با من رو راست باش



مریم خباز

رهایی در راستگویی است ، این جمله را همه آدم‌هایی که با دیگران مراوده می‌کنند قبول دارند . وقتی انسان راست می‌گوید خیالش از همه بابت راحت است چون شب‌ها سرش را با آسودگی روی بالش می‌گذارد و صبح‌ها راحت چشم به روی دنیا باز می‌کند. کسی که راستگوست دوست داشتنی هم هست چون تکلیف اطرافیان با او روشن است و همه می‌دانند چگونه با او رفتار کنند. حالا اگر این راستگویی را زیر یک سقف ببریم شیرین تر هم می‌شود. وقتی زن و شوهری با هم یکدل و یک زبان می‌شوند زندگی آنقدر دوست داشتنی می‌شود که در سایه امن آن می‌شود با خیال راحت گذران عمر کرد.

## راستگویان را چگونه بشناسیم؟

اگر بخواهیم خود را بیازماییم و بدانیم که راستگو هستیم و بر منش و روش راستگویان هستیم یا راستگویی را در دیگران بجویم می‌توان از نشانه‌هایی که قرآن بیان داشته بهره ببریم. این نشانه‌ها به ما کمک می‌کند تا راستگویان راستین را از دروغگویان دغلاکار شناسایی کنیم و در دام حيله‌های آنها نیفتیم.

نخستین نشانه راستگویی تطابق قول و عمل شخص است. اگر گفتار شخص با رفتار وی مطابقت نداشت وی را می‌بایست از دروغگویان یا دست کم کسانی دانست که راستگو نیستند بنابراین نمی‌توان در برابر ایشان متواضع بود و آنان را الگو قرار داد و خود را مرید ایشان دانست.

این مساله را می‌توان با نگاهی به اعمال آنان به دست آورد. اصولاً کسانی که اهل راستگویی هستند برای مردم دل می‌سوزانند و برای رهایی مردم تلاش می‌کنند و آنان را از اسارت و بندگی و بردگی رهایی می‌بخشند.

از این روست که اهل انفاق هستند و می‌کشند تا با کمک‌های مالی خویش دیگران را از بند بردگی برهانند.

بنابراین اگر موردی دیده شد که شخص می‌کوشد تا مردم را برده و بنده خود کند در حقیقت او فریبکار است؛ زیرا کسی که حاضر نیست که شخصی در بند بردگی دیگری باشد چگونه اجازه می‌دهد که به شکل دیگر برده و بنده او شود؟

از این رو راستگویان اهل انفاق و کمک به دیگران و انسان‌های نوع‌دوستی هستند که دستگیر هر در راه مانده‌ای هستند و به حاجتمندان و فقیران کمک می‌کنند. یتیمان و ناتوانان را دستگیر می‌باشند و به آخرت ایمان داشته و نماز به پا می‌دارند و زکات مال خویش را می‌پردازند و اهل وفای به عهد هستند. (سوره بقره)

افراد راستگو خوششان را دوست داشته و به هر شکلی به آنان کمک می‌کنند. اصولاً راستگویان اهل اخلاص هستند و در انجام وظایف عبادی و اجتماعی و اخلاقی خویش کوتاهی نمی‌کنند و با تحمل مشکلات و رنج‌ها آن را انجام می‌دهند.

آنها در اندیشه و اعتقاد خویش با برهان و دلیل هستند و این مساله خود مهم‌ترین دلیل بر راستگویی

ایشان افزون بر صدق در عمل آنان است. با توجه به این نشانه‌ها، انسان به سادگی و آسانی می‌تواند راستگویی واقعی و راستین را از راستگویان مدعی و دروغین باز شناسد. بنابراین نمی‌بایست برخی از اعمال و رفتار گروهی فریبکار موجب شود تا در دام آنان افتاد. برخی با گریه و سایر شواهد ظاهری می‌کشند تا مردم را فریب دهند که اصولاً نباید برخی از رفتارهای ظاهری و تظاهری مبنا و ملاک داوری قرار گیرد. بسیار دیده‌اید که دروغگویان به گریه متوسل می‌شوند.

از این روست که قرآن گریه را حربه دروغگویان می‌شمارد و می‌گوید که آنان با گریه می‌کشند تا حقیقت را بپوشانند و مردمان را گمراه کنند. بنابراین نمی‌بایست گریه و دیگر تظاهرات ظاهری مردمان را ملاک داوری قرار داد. اینان در ظاهر رفتاری را انجام می‌دهند که با باطن ایشان مطابقت ندارد و حتی رفتاری‌های ایشان زیبا و دل‌پسندتر و شگفت‌انگیزتر است.

## راستگویی در روایات

راستگویی واقعا معجزه می‌کند چون کسی که راستگوست نگاه‌ها را به سمت خود می‌چرخاند و اعتماد دیگران را به خود جلب می‌کند. در این میان اساس زندگی انسان کار گروهی است و هنگامی کار گروهی امکان‌پذیر است که افراد گروه نسبت به یکدیگر اطمینان داشته باشند و اطمینان در صورتی حاصل می‌شود که صداقت و امانت در میان افراد گروه حاکم باشد. در روایات آمده است یکی از یاران پیامبر(ص) از این که گرفتار گناه می‌شود به پیامبر(ص) گلابه برد و خواستار راهنمایی آن حضرت شد. پیامبر(ص) به وی می‌فرماید: دروغ

نگو! آن شخص گفت: همین. پیامبر(ص): فرمود: همین بس. مرد رفت و در برابر امری قرار گرفت که گناه بود و چون خواست آن را مرتکب شود گفت اگر پیش پیامبر رفته و گفت این کار را کردی چه بگویم؟ دروغ بگویم. من که وعده داده‌ام دروغ نگویم. چند مساله دیگری نیز رخ داد و او برای این که به پیامبر دروغ نگوید از ارتکاب آن خودداری کرد. این گونه است که رفتار خود را اصلاح کرد.

## راستگویی در قرآن

قرآن در آیات ۷۰ و ۷۱ سوره احزاب به تأثیر و کارکرد راستگویی مومنان در گفتارشان اشاره کرده و آن را سبب اصلاح اعمال آنان می‌داند. از این رو فرمان می‌دهد برای این که اعمال آنها به اصلاح گراید همواره گفتار خالی از هرگونه شائبه دروغ و لغو بگویند و سخنی را بر زبان آورند که ظاهر آن با باطن آن موافق باشد. در آیه ۲۰ و ۲۱ این سوره صداقت و راستگویی موجب تسلیم شدن شخص در برابر دستوره‌های خداوند و آموزه‌های وحیانی آن به شمار می‌رود. بنابراین کسانی که اهل صداقت و راستی هستند کسانی هستند که در برابر آموزه‌های وحیانی تسلیم اند و هرگز بر خلاف آن عمل نمی‌کنند و رفتارشان همواره در چارچوب آموزه‌های دینی است و گامی برخلاف آن بر نمی‌دارند.

اصولاً رستگاری جز با راستگویی امکان‌پذیر نیست و کسی که دروغ می‌گوید و ظاهر کلامش با باطن آن موافقت ندارد و بر خلاف واقع سخنی را بر زبان می‌راند نمی‌تواند امید به رستگاری داشته باشد. خداوند در آیه ۱۱۹ سوره مائده می‌فرماید: روز قیامت تنها کسانی رستگار می‌شوند و از آتش دوزخ رهایی

می‌یابند که راستگو باشند. امروز روزی است که تنها صدق و راستی راستگویان است که به فریاد ایشان می‌رسد و سربلند و پیروز از آزمون دنیا بیرون می‌آیند.

در حقیقت کسانی که راستگویی را منش و روش خویش قرار داده‌اند و در هر حال و مقامی راستگویی می‌کنند و سخنی به دروغ بر زبان نمی‌رانند در قیامت از راستگویی خویش بهره‌مند می‌شوند.

## وقتی خدا راستگویان را دوست دارد

از دیگر آثار راستگویی که در آیات ۳۵ و نیز ۷۰ و ۷۱ سوره احزاب بدان اشاره شده است بهره‌مندی از مغفرت الهی است. به این معنا که راستگویان در پوشش خالص الهی قرار می‌گیرند و خداوند آنان را از شر و آسیب اموری زیانبار حفظ می‌کند. چون اهل راستگویی و صداقت هستند در دام گناه نمی‌افتند و خداوند در اطراف ایشان حفاظتی را پدید می‌آورد تا گرفتار گناه نشوند.

در حقیقت با بهره‌گیری از منش و روش راستگویی برای خود دیوار حفاظتی می‌سازند که خداوند آن را خود برپا می‌دارد و در حفاظ و پوشش اوست که از گناه ایمن می‌شوند و غفران و غفارت الهی آنان را در بر می‌گیرد. این گونه است که زمینه‌های رشد و ترقی انسان برای دستیابی به مقامات معنوی فراهم می‌آید. این همان چیزی است که هر کسی خواهان آن است و می‌خواهد تا به قدرت و توانایی ذاتی خویش دست یابد.

خداوند در آیات ۵۶ و ۵۷ سوره مریم گام نخست دست‌یابی به مقامات معنوی و استعدادهای نهفته و سرشته در ذات آدمی را بهره‌گیری از سلوک راستگویی می‌داند.

در آیه ۵۷ سوره مریم دستیابی به مقام عالی و مکانت رفیع را جز در راستگویی به عنوان منش و خصلت شخص نمی‌داند. اصولاً گام اول و بلند برای دستیابی به مقام انسان کامل آن است که شخص خود را از دام دروغ برهاند و راستگویی جزو منش وی شود. آن گاه است که به مقام انبیاء و نبوت می‌رسد. مقام انبیاء و نبوت نوعی ارتباط میان خدا و انسان است که شخص می‌تواند از آموزه‌های خاص خداوند بی‌واسطه حتی در امور جزئی زندگی خویش بهره‌برد. خداوند در آیه ۴۱ سوره مریم صدق و راستگویی به معنای منش و خصلت فعلیت یافته شخص را زمینه دستیابی به مقام نبوت می‌شمارد و در آیه ۵۶ همین سوره بر آن تأکید می‌کند.

براساس این کارکردها و آثار راستگویی است که خداوند در آیه ۱۱۹ سوره توبه راستگویی و راستی را دارای ارزشی والاتر از ایمان و تقوا می‌شمارد؛ زیرا نمود تقوا و ایمان در راستگویی به مفهوم پیش گفته ظاهر می‌شود. کسی که منش وی راستگویی می‌شود میان باورها و اعمالش تطابق است و این مطابقت براساس اعمال صالح و راستی است که در حوزه اطاعت امر الهی قرار می‌گیرد. از این روست که برتر از ایمان بی‌عمل و یا تقوای بی‌راستی و درستی قرار می‌گیرد. شخص راستگو و صدیق کسی است که در اوج ایمان علمی و تقوای راستی است.

## یک پیام ۳۰ حرف

داداش حمید عیدت مبارک باد  
خواهر دلنگت حمیرا از جاسک  
همسر مهربانم رضاجان تولدت مبارک  
همسرت ریحانه خالدپرو از تهران  
بابابزرگ قول بده اسمال خوب بشی  
نوه شما روفیا رستگار از تهران  
بابا و مامان عزیز همیشه کنارمان باشید  
فرزندانتان بابک و رامین از مشهد  
نازنین عزیز سالروز شکفتن مبارک  
نوشین، متیرا و آزاده از تهران  
پیروز عزیز سالروز تولدت مبارک  
وحید و آرزو از تهران

تک ستاره قلبم وحید جان تولدت مبارک  
همسرت آرزو از تهران  
نازنین عزیز تولدت مبارک.  
دوستداران تو آرزو و وحید  
داداش وحید گلم سالروز تولدت مبارک  
آیچی لیلا از تهران  
بابا و مامان عیدتان را تبریک می‌گویم  
دخترتان مریم حقوق از مشهد  
پدر و مادر عزیزم کوچکتان هستم  
پسر شما اصغر الوندی از شیراز  
شیرین جان همیشه با من بمان  
همسرت مهدی داورپناه از ساوجبلاغ  
مهربان عزیزم همیشه در آسمان زندگیم بتاب  
همسرت حسین سرمدی از دلپجان

## دوباره باید شد

دومی موفق می‌شود.  
● شادمانی داشتن آنچه می‌خواهی نیست، بلکه خواستن تمام چیزهایی است که داری.  
● هیچ وظیفه‌ای به اندازه وظیفه شاد بودن دست کم گرفته نمی‌شود.  
● رمز شادمانی در این نیست که آدم دوست دارد چه کار کند، بلکه در این است که آدم کاری را که مجبور است انجام دهد، دوست داشته باشد.  
● شادی مثل قصر قصه‌های شاه پریان است که از دهنی از دروازه‌اش نگرانی می‌کند. باید بجنگیم تا بر آن پیروز شویم.  
● فقط یک راه به سوی شادی وجود دارد و آن دست کشیدن از نگرانی بابت چیزهایی است که در ماورای قدرت و اراده ماست.

## رمز و راز شادی

● خدا می‌داند چقدر شادی زیر پا له می‌شود، صرفاً چون مردم در آسمان دنبال آن هستند و به زیر پایشان توجهی نمی‌کنند.  
● وقتی یکی از درهای شادی بسته می‌شود، دری دیگر بازی می‌شود، اما اغلب ما آنقدر به دری بسته چشم می‌دوزیم که آن دری را که بر ایمان باز شده است، نمی‌بینیم.  
● شادترین افراد کسانی هستند که مثبت‌ترین افکار را در سر می‌پروراندند.  
● دو چیز است که در زندگی هدف واقعی می‌شود: اول، به دست آوردن آنچه می‌خواهی و سپس لذت بردن از آن. فقط عاقل‌ترین انسان در